



# بررسی چگونگی

## تأمین مالی در شبکه های

### تولیدکنندگان زنان روستایی

#### دو مطالعه موردی در استان خراسان

فاطمه پاسبان

**«زنان که نیمی از نوع بشر را تشکیل می دهند و عهده دار دو سوم از فعالیتهای انسانی هستند تنها یک دهم درآمدها و کمتر از یک صدم داراییهای جهان را در اختیار دارند.»**  
«گزارش سازمان ملل»

#### ● مقدمه

دستیابی به رفاه و عدالت اجتماعی و توسعه پایدار در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مستلزم شناخت استعدادهاست. یکی از این استعدادهای مؤثر، زنان هستند که در سازندگی جوامع نقش بسزایی ایفا کرده و می کنند، در حالی که نه خود به آن باور دارند و نه دیگران آنها را به حساب آورده اند. در سطح جهان، زنان تولیدکننده بیش از نیمی از مواد غذایی، مدیران اقتصاد خانوار و سامان دهندگان تغذیه و تربیت کودکان هستند، اما به وضوح در

بسیاری از برنامه ریزیهای توسعه و تحول نادیده انگاشته شده اند و همین امر از یک سو باعث کندی جریان توسعه و به ثمر نرسیدن بسیاری از پروژه های ملی و فرا ملی تولیدی و عمرانی شده و از سوی دیگر توسعه انسانی نیمی از جمعیت جهان را به فراموشی سپرده است.

بر مبنای گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، زنان بزرگترین گروه محروم جهانند و کوتاهی در فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد پایدار این قشر عظیم و رفع نابرابریها، برای جوامع بشری

اسفناک است. رسیدن به شاخصهای مهم توسعه انسانی، همچون عزت نفس، خودباوری، مشارکت اجتماعی، بهبود درآمدها و ... برای نیمی از جمعیت جهان امری ضروری و مهم به نظر می رسد و پرداختن به این مهم باید در اولویت برنامه های توسعه قرار گیرد. بنابراین در این راستا به نظر می رسد تحقیق و پژوهش و بررسی در خصوص هر چه روشنتر کردن نقش دانش و قابلیت های زنان، به ویژه زنان روستایی، در توسعه و بهبود شرایط موجود امری ضروری است؛ چرا

که زنان روستایی به عنوان رکن اساسی واحدهای تولید مواد غذایی محسوب می شوند و ساختار اقتصادی خانواده بدون حضور آنان نمی تواند پایدار بماند. از این رو این مقاله در صدد است تا با شناسایی مشکلات زنان روستایی در زمینه تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی خود گامی هر چند کوچک برای افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بردارد.

## ۱- اعتبار و اهمیت آن

وام و اعتبار، انتقال کنترل پول از یک فرد یا نهاد به فرد یا نهاد دیگر است. اعتبار را می توان انتقال موقت قدرت خرید از یک فرد حقیقی یا حقوقی به فرد دیگر نامید. اعتبارات برای تأمین نهاده‌های مختلف تولید، مانند نیروی کار، خرید یا اجاره زمین، خرید نهاده‌های سرمایه ای و ... به کار می آیند.

اعتبارات بر حسب ویژگی‌های متفاوت، طبقه بندی می شوند که تقسیمات زیر از جمله آنهاست:

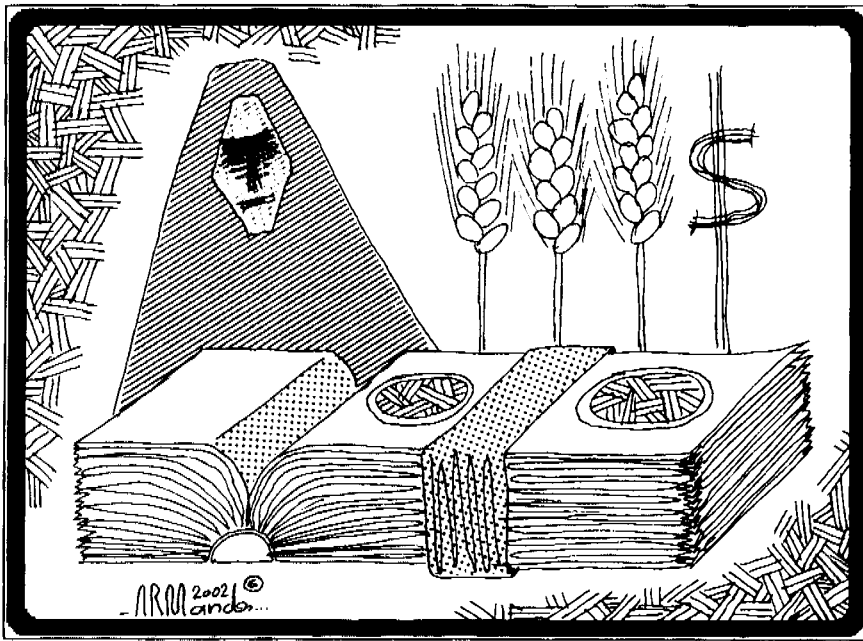
### ۱/۱- از نظر زمانی:

تقسیم بندی اعتبارات بر حسب زمان شامل اعتبارات کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می باشد. این تقسیم بندی عمدتاً بر اساس دوره و زمان بازپرداخت اعتبار صورت می گیرد. اعتباراتی که بازپرداختشان در دوره زمانی کوتاه - که معمولاً کمتر از یکسال است - صورت می گیرد اعتبارات کوتاه مدت نامیده می شوند و بدین ترتیب اعتبارات بلند مدت، آنهایی هستند که دوره بازپرداختشان طولانی - معمولاً بیش از ۵ سال - است.

اعتباراتی که دوره زمانی بازپرداخت آنها معمولاً بین یک تا ۵ سال باشد، اعتبارات میان مدت نامیده می شوند.

### ۱/۲- از نظر نوع مصرف:

یکی از مهمترین انواع تقسیم بندیهای اعتبارات، تقسیم بندی آنها بر حسب نوع مصرف اعتبار است. بر اساس این ویژگی، اعتبارات به دو دسته اعتبارات مصرفی و تولیدی تقسیم می شوند. اعتبارات مصرفی عمدتاً به ایجاد تسهیلات برای خرید مواد مصرفی و رفع مشکلات مادی زندگی



تخصیص می یابند و اعتبارات تولیدی غالباً برای خرید مواد، وسایل و ماشین آلات تولیدی هزینه می شوند.

### ۱/۳- از نظر رسمی و غیر رسمی بودن:

اعتبارات رسمی اعتباراتی هستند که از منابع رسمی - از جمله بانکها و دولت - اخذ می شوند. در حقیقت، منابع رسمی، بانکها و منابعی هستند که در رابطه با سیاستهای دولت اعطای اعتبار می کنند. منابع غیررسمی اعتبار به منابع غیر از بانکها و دولت اطلاق می شوند.

دکانداران یا تجار شهری و روستایی، پله‌وران، سلف خران، نزولخواران، میدان داران، دوستان، همسایگان و... را می توان در زمره منابع غیر رسمی به حساب آورد که سوای برخی محاسن آن در حل مشکلات روستاییان - مثل دسترسی

آسان و سریع به وام ضروری، عدم نیاز به کاغذ، بازیهای اداری و... - به دلیل نرخ بهره و سود، زمان بازپرداخت کوتاه و... بیشتر به آفاتی برای آنان تبدیل شده اند.

### ۱/۴- از نظر مستقیم و غیر مستقیم بودن:

از این تقسیم بندی می توان با عنوان اعتبارات یارانه ای و بدون یارانه و یا اعتبارات مستقیم و تکلیفی نیز نام برد. در این نوع اعتبارات که به وسیله دولت پرداخت می شود بسته به نوع و محل سرمایه گذاری، بخشی از هزینه سود را دولت پرداخت می کند. اعتبارات مستقیم بانکها با نرخ سود تعیینی از طرف شورای پول و اعتبارات پرداخت می شود. در اعتبارات تکلیفی، متقاضی پس از معرفی وزارتخانه مربوطه به بانک و تأیید بانک، وام را با نرخ سود پایین تر از نرخ سود

تقسیم بندی اعتبارات بر حسب زمان شامل اعتبارات کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می باشد. این تقسیم بندی عمدتاً بر اساس دوره و زمان بازپرداخت اعتبار صورت می گیرد. اعتباراتی که بازپرداختشان در دوره زمانی کوتاه - که معمولاً کمتر از یکسال است - صورت می گیرد اعتبارات کوتاه مدت نامیده می شوند و بدین ترتیب اعتبارات بلند مدت، آنهایی هستند که دوره بازپرداختشان طولانی - معمولاً بیش از ۵ سال - است.

اعتباراتی که دوره زمانی بازپرداخت آنها معمولاً بین یک تا ۵ سال باشد، اعتبارات میان مدت نامیده می شوند.

تعیینی دریافت می کند.

## ۵ / ۱- اعتبارات خاص :

اعتبارات خاص اعتباراتی هستند که از طریق قوانین و مقررات و غیره اعطا می شوند، مانند اعتبارات حوادث غیر مترقبه، اعتبارات فقرزدایی و ... که اعطای آنها در ایران از طریق تبصره های بودجه صورت می گیرد. به طور کلی، اعتبارات برای روستاییان می تواند سه هدف عمده را دنبال کند:

۱- افزایش بهره وری و تولید،

۲- افزایش رفاه و درآمد،

۳- توانبخشی روستاییان،

با تزریق اعتبارات به مناطق روستایی می توان انتظار داشت که روستاییان با به کارگیری فناوری، روشهای جدید تولید، نهاده های جدید تولیدی و ... میزان و بهره وری تولید را افزایش داده، به تبع آن با افزایش کمیت و کیفیت تولید بر میزان درآمد خود بیفزایند و بدین طریق میزان فقر آنان کاهش یابد و در نتیجه رفاه آنان افزایش پیدا کند. علاوه بر این با تزریق اعتبار می توان فرصتهای جدید تولیدی - اعم از تولید کالا و خدمات - را برای روستاییان فراهم کرد تا به این وسیله بتوانند تواناییها و خلاقیتهای خود را به ظهور رسانده، قابلیت های بالقوه را به فعل تبدیل کنند. از این رو باتوجه به اهمیت اعتبار و وام مشاهده می شود که برنامه های اعتباری گوناگونی از سوی دولت به منظور دستیابی به هدفهای خاص توسعه ای طراحی و اجرا می شود که متأسفانه در این برنامه های اعتباری به چگونگی مشارکت و توانمند ساختن زنان برای دستیابی به اعتبارات و به کارگیری آن در تولید توجه خاص نشده است.

## ۲- شیوه های تأمین مالی روستایی

خانوارهای روستایی برای افزایش سطح تولید و بهبود- بخشیدن به سطح زندگی خود، اصولاً منابع مالی لازم را در اختیار ندارند. چنانچه خانواری منابع مالی بخواهد یا نیاز به صرف هزینه ای داشته باشد فقط دوراه پیش رو خواهد داشت :

**دکانداران یا تجار شهری و روستایی، پبلهوران، سلف خران، نزولخواران، میدان داران، دوستان، همسایگان و ... را می توان در زمره منابع غیر رسمی به حساب آورد که سوای برخی محاسن آن در حل مشکلات روستاییان - مثل دسترسی آسان و سریع به وام ضروری، عدم نیاز به کاغذ بازیهای اداری و ... - به دلیل نرخ بهره و سود، زمان بازپرداخت کوتاه و ... بیشتر به آفاتی برای آنان تبدیل شده اند.**

۱- برداشت از پس اندازها،

۲- استفاده از اعتبارات،

عموماً در کشورهای در حال توسعه، خانوارهای روستایی به دلیل کمبود درآمد دارای پس انداز قابل ملاحظه ای نیستند و هنگام نیاز برای تولید یا مصرف) به منابع اعتباری - رسمی، غیر رسمی - مراجعه می کنند.<sup>۲</sup>

## ۱ / ۲- منابع اعتباری رسمی<sup>۲</sup>

نهادهای رسمی هنگامی می توانند نیازمندیهای اعتباری مالی روستاییان را برآورده سازند که بخش غیررسمی قادر به رفع نیاز آنها نیست. از نظر وام گیرندگان، نهادهای رسمی قادرند منابع مالی منطقه و حتی منابع مالی نقاط دیگر را به بخش روستایی برسانند؛ البته با نرخهای بهره و سود معقول تر و دوره های بازپرداخت طولانی تر از وام دهندگان غیر رسمی. در اقتصاد روستایی دو نوع عمده از نهادهای رسمی فعالیت دارند:

- بانکهای تجاری،

- نهادهای تخصصی اعتباری کشاورزی که معمولاً توسط دولتها ایجاد شده و دارای عناوین گوناگون مانند بانک کشاورزی، بانک توسعه کشاورزی و ... هستند.

## بانکهای تجاری

بانکهایی هستند که برای ارائه وام، معیارهایی دارند و این معیارها مانع از آن می شود که بیشتر کشاورزان خرده پا و روستاییان محلی بتوانند از آنها وام دریافت کنند. بیشتر بانکهای تجاری میل

ندارند به روستاییانی که فاقد داراییهای مناسب به عنوان تضمین یا وثیقه هستند وام بدهند. همین امر در بیشتر مواقع باعث می شود که روستاییان هنگام نیاز نتوانند به راحتی اعتبار و وام مورد نیاز خود را دریافت دارند و به ناچار به منابع رسمی یا غیر رسمی دیگر مراجعه می کنند.

## نهادهای تخصصی اعتبارات کشاورزی

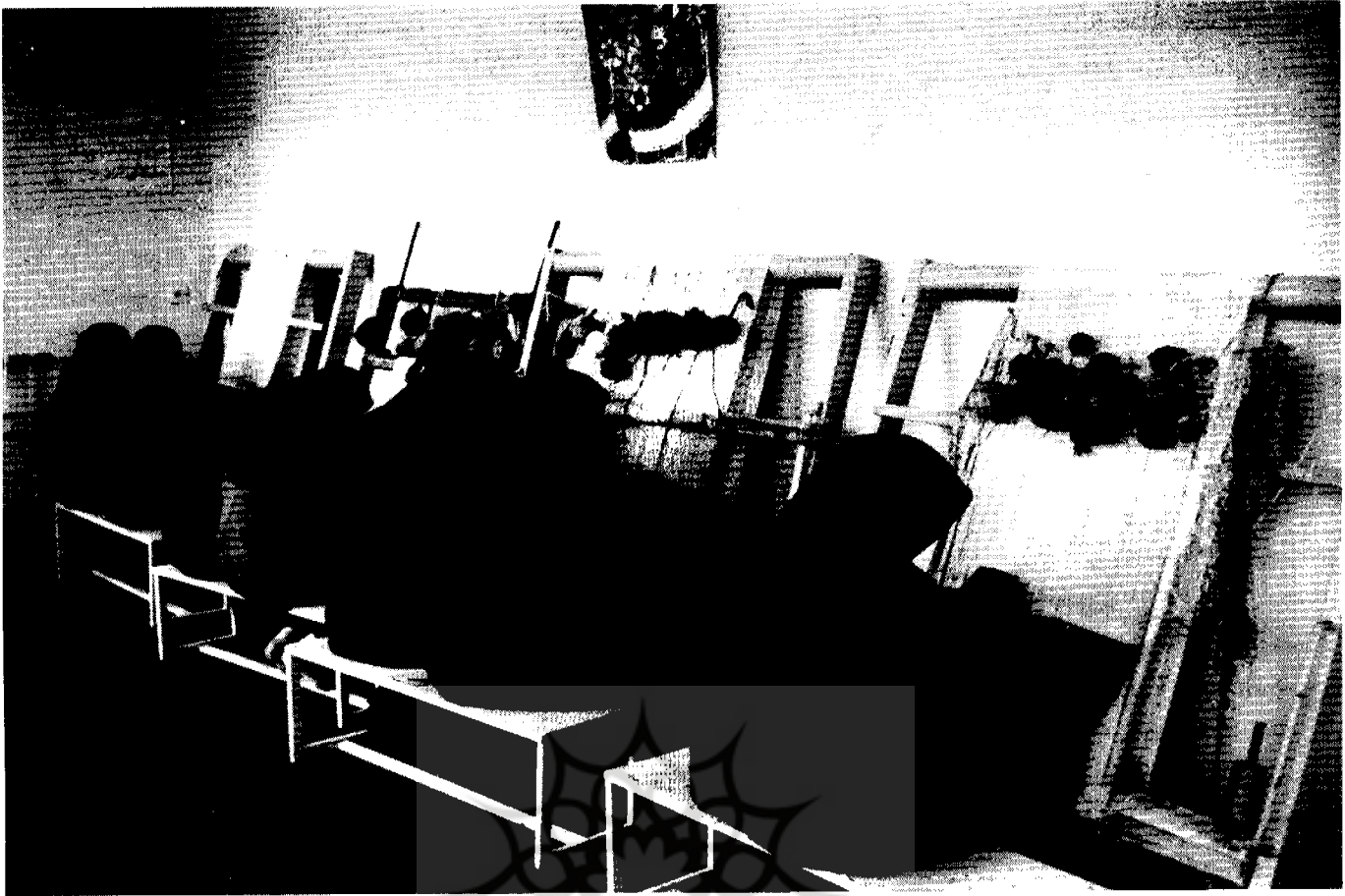
این نهادها با این هدف تشکیل می شوند که ناتوانی بانکهای تجاری را در ارائه خدمات کافی به کشاورزان جبران کنند و عملیات آنها بر دو فرض استوار است :

۱- کشاورزان تهیدست توان کمی برای پس انداز کردن دارند و بنابراین اگر قرار است نوآوری و ابداعی در تولید آنها شکل گیرد باید از طریق دریافت اعتبارات تأمین مالی شوند. ۲- به کارگیری نوآوری و فناوری جدید و تولیدات جدید باعث می شود که به طور کلی سطح زندگی مردم و روستائینان ارتقا یابد و این امر در صورتی تحقق می یابد که اعتبارات لازم با شرایط مطلوب به روستائین عرضه شود. در نتیجه بیشتر نهادهای تخصصی اعتبارات کشاورزی از ویژگیهای زیر برخوردارند:

- صرفاً به کار وام دهی می پردازند، نه دریافت سپرده ها؛

- با منابع مالی دولتی محدود وارد عمل می شوند؛ - ملزم به ارائه وام با نرخهای بهره امتیازی هستند که سبب محروم ماندن وام گیرندگان تهیدست و فاقد ارزش اعتباری از خدمات آنها می شود؛ - به جای دریافت وثیقه ممکن است برای استفاده از وام شرایط خاص تعیین کنند.

نهادهای تخصصی اعتبارات کشاورزی تأثیرات فراوان بر روستاها دارند که این تأثیر ممکن است مثبت و چشمگیر یا متأسفانه منفی باشد. در ایران اعتبارات رسمی نیز به سه بخش دولتی، نیمه دولتی و مردمی تقسیم می شود. بخش دولتی شامل بانکهای تجاری و بخصوص بانک کشاورزی است. بخش نیمه دولتی کمیته امداد است که هزینه های آن از بودجه دولت و کمکهای مردمی تأمین می شود و بخش مردمی که شامل صندوقهای قرض الحسنه است و از طریق افراد



خیر ایجاد می شود.

## ۲/۲- منابع اعتباری غیر رسمی

منابع غیر رسمی وام به منابعی به جز دولت یا بانکها اطلاق می شود که عبارتند از:

- دکانداران شهری یا تجار محلی،
- سلف خران (خریداران محصولات کشاورزی)،
- مالکان،
- صاحبان داراییهای سرمایه ای (اتوبوس، تراکتور، پمپهای آبیاری و ...)،
- دوستان و خویشاوندان،
- رباخواران و نزولخواران،
- سایر افراد ثروتمند.

در مورد این منابع اعتباری چند مشکل وجود دارد:

۱- برای وام گیرنده ممکن است در مقابل وام دهندگان تعهداتی پیش آید که شاید به وامهایشان هیچ گونه ارتباطی نداشته باشد؛ یعنی مجبور به ارائه خدماتی شوند، رشوه بدهند یا حمایت سیاسی لازم را تأمین کنند. از سوی

دیگر، تضادهای شخصی نیز ممکن است مانع از دریافت اعتبار به وسیله شخص شود.

۲- وام دهندگان ممکن است بر این نکته اصرار ورزند که وام گیرندگان مواد مورد نیازشان را از

**نهادهای تخصصی اعتبارات کشاورزی تأثیرات فراوان بر روستاها دارند که این تأثیر ممکن است مثبت و چشمگیر یا متأسفانه منفی باشد. در ایران اعتبارات رسمی نیز به سه بخش دولتی، نیمه دولتی و مردمی تقسیم می شود. بخش دولتی شامل بانکهای تجاری و بخصوص بانک کشاورزی است. بخش نیمه دولتی کمیته امداد است که هزینه های آن از بودجه دولت و کمکهای مردمی تأمین می شود و بخش مردمی که شامل صندوقهای قرض الحسنه است و از طریق افراد خیر ایجاد می شود.**

طریق آنها خریداری کنند و محصولاتشان را نیز به آنها بفروشند. بنابراین شاید به وام گیرندگان، قیمت‌های غیر منصفانه ای را تحمیل کنند و مانع از آن شوند که بتوانند خرید و فروش خود را با نرخهای معمول در بازار انجام دهند.

۳- حتی اگر از خطرهای وام دهی بدون وثیقه نیز چشم پوشی شود نرخهای بهره این گونه طرحها ممکن است بسیار سنگین تر باشد.

۴- وام دهندگان ممکن است عمداً خواهان بازپرداخت وامها در مواقع نامساعد شده، وام گیرندگان را به دلیل ورشکستگی وادار به فروش زمین یا سایر داراییهای تولیدی به بهای کمتر از ارزش رایج آنها در بازار کنند.

۵- به دلیل نبود جریان منابع مالی، مناطق محروم از نقدینگی نمی توانند از مناطق برخوردار از نقدینگی، منابع مالی لازم را دریافت دارند. علاوه بر این، نرخهای بهره نیز در سراسر چنین مناطقی متعادل نخواهد بود.

اگر چه وجه مشترک بخشهای وام دهنده رسمی

و غیررسمی، پرداخت وام به متقاضیان روستایی است، اما تفاوت‌هایی نیز بین آنها وجود دارد که نیاز به شناسایی و بررسی دارد. برخی از این تفاوتها عبارتند از:

- بخشهای وام دهنده رسمی مورد تأیید دولتند؛ به طوری که یا خود دولت آنها را به وجود می‌آورد، مثل بانک کشاورزی؛ یا برای ایجاد آن از دولت اجازه گرفته می‌شود؛ مانند صندوقهای قرض الحسنه.

- بخشهای وام دهنده رسمی دارای شرایط و ضوابط آشکار و مشخص برای همه متقاضیان هستند، در حالی که وام دهندگان غیررسمی، شرایط و ضوابط توافقی دارند و این شرایط بسته به اعتبار متقاضی، سوابق و قدرت مالی او تفاوت می‌کند.

- هدف بخشهای وام دهنده رسمی، حمایت از تولیدکنندگان روستایی است، در حالی که وام دهندگان غیررسمی در پی سود بیشترند.

- نرخ سود وامهای پرداختی توسط بخشهای وام دهنده رسمی یا پایین است، به طوری که نرخ سود نمی‌تواند نرخ تورم را بپوشاند، مانند صندوقهای قرض الحسنه و کمیته امداد و یا نرخ سود تاحدی نرخ تورم را می‌پوشاند، مانند وامهای مستقیم بانک کشاورزی؛ در حالی که وام دهندگان غیررسمی، سود و تورم را در هزینه وام لحاظ می‌کنند.

- با توجه به نرخ پایین سود در بخشهای وام دهنده رسمی روستایی، بازده وام به روستا و متقاضی وام یا وام گیرنده بر می‌گردد؛ در حالیکه در وامهای غیررسمی بازده وام وقتی که مثبت است به وام دهنده غیررسمی منتقل می‌شود و وقتی منفی است از ثروت آینده وام گیرنده کسر می‌گردد.

- در شرایط تورمی، بخشهای وام دهنده رسمی با کاهش سرمایه یا کاهش نرخ رشد سرمایه مواجه و تضعیف می‌شوند؛ زیرا سرمایه آنها از طریق مردم خیرخواه تأمین می‌شود یا دولت و سپرده گذران این سرمایه را تأمین می‌کنند. در شرایط تورمی انگیزه سپرده گذار کاهش می‌یابد و افراد خیرخواه به لحاظ رعایت موازین شرعی

از درآمد کمتری برخوردار شده، توان حمایت آنها کاهش می‌یابد؛ در حالی که وام دهندگان غیررسمی به لحاظ دریافت نرخ سود بالا که نرخ تورم و سود را در بر می‌گیرد نه تنها تضعیف نمی‌شوند بلکه به دلیل تضعیف بخشهای وام دهنده رسمی، مراجعه وام گیرندگان به آنها افزایش می‌یابد.

بنابراین چنانچه ملاحظه می‌شود به منظور دستیابی به اعتبارات و وام هنگام نیاز می‌توان به منابع رسمی و غیررسمی مراجعه کرد که هر کدام از این منابع دارای معایبی هستند.

### ۳- بررسی موردی دو شبکه تولید کننده زنان روستایی در چگونگی تأمین مالی

دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی که یکی از هدفها و آرمانهای بزرگ هر کشور محسوب می‌شود نیازمند برنامه‌های توسعه است که در برنامه‌های توسعه نیز باید اولویت اصلی را به توسعه منابع انسانی داد و در این راستا زنان که نیمی از جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند به نیمی از سهم سرمایه گذاری در توسعه منابع انسانی از سوی دولتها نیازمندند.

جهت گیری توسعه منابع انسانی در امور زنان نیز باید از افزایش کارایی نیروی کار زنان فراتر رفته، رشد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان را در

فرایند توسعه به دنبال داشته باشد. بنابراین رسیدن به هدف مهم توسعه، یعنی توسعه انسانی هنگامی محقق می‌شود که به عامل نیروی انسانی (مرد و زن) همزمان توجه شود. عامل نیروی انسانی در فرایند تولید یکی از عوامل مهم محسوب می‌شود. در حقیقت با به کار گیری سرمایه و کار می‌توان به فعالیت تولیدی و خدماتی اهتمام ورزید.

در این فرایند پیچیده اگر بتوان با برنامه ریزی اصولی به این دو عامل توجه کرد، می‌توان انتظار داشت که تولید با کمیت و کیفیت بهینه به بازار محصول عرضه شود. در بررسی و مطالعه حاضر به عامل نیروی کار زنان و سرمایه مورد نیاز آنان که در حقیقت عهده دار عرضه قسمتی از محصول و تولید جامعه می‌باشند، پرداخته شده است. در صورت بررسی و شناسایی مشکلات و تنگناهای این بخش از جامعه می‌توان انتظار داشت که میزان تولیدات

(کالا و خدمات) جامعه از نظر کمی رو به فزونی بگذارد و به لحاظ کیفی نیز بهبود پیدا کند. به این منظور و با توجه به محدودیت زمانی، دو شبکه تولیدکننده زنان روستایی از دیدگاه تولید و چگونگی تأمین مالی آنان مورد بررسی قرار گرفته است تا مشکلاتی که به نوعی در مقالات و نوشتارها به صورت تئوری مورد اشاره قرار گرفته



به صورت دو نمونه موردی، تحت آزمون قرار گیرد. نتایج مشاهدات و سئوالات انجام شده از اعضای دو شبکه تولید کننده و تجزیه و تحلیل آنها به صورت زیر است.<sup>۲</sup>

۱- واحدهای تولیدی زنان روستایی عموماً تازه تأسیس هستند که نشان می دهد در سالهای اخیر که بحث مشارکت زنان در فعالیتهای

اقتصادی و اجتماعی مطرح شده این واحدها نیز تشکیل شده اند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که اگر از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، بستر مناسب برای حضور و فعالیت زنان فراهم شود، زنان قادر خواهند بود با مشارکت یکدیگر به فعالیت مولد اقتصادی همت گمارند. از این رو، بحث آماده سازی جامعه از نظر فرهنگی و اجتماعی و پذیرش این مطلب که "وظیفه زن فقط محدود به امور خانه داری نمی باشد و زن می تواند در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مشارکت داشته باشد و مالکیت زنان در عملکردهای اقتصادی و اجتماعی نباید محدود گردد" یکی از مباحث مهمی است که باید به آن در برنامه های مختلف توسعه ای توجه خاص مبذول شود.

اهمیت این موضوع، با توجه به نزدیکی مکانهای مورد مطالعه با شهر مشهد بیشتر می شود؛ چون حتی نزدیکی به شهرهای بزرگ نیز این امکان را برای زنان مهیا نساخته است که به فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بپردازند.

۲- عموماً دامنه فعالیت زنان روستایی به خود روستا محدود می شود و بازار محصول آنان (تقاضای بالقوه) محدود به تعداد متقاضی داخل روستا است (جدول شماره ۱).

این امر باعث می شود که تولید به سطح انبوه نرسد و مزایای تولید در سطح انبوه؛ از جمله کاهش قیمت تمام شده محصول، افزایش کیفیت تولید، افزایش فروش و درآمد و... نیز عاید تولید

جدول ۱- مشخصات عمده واحدهای تولیدی زنان روستایی مورد مطالعه

شرح	سال تأسیس	فاصله تا شهر	تعداد اعضا	نوع تولیدات	بازار مواد اولیه	بازار فروش محصول	سرمایه اعضا
شبکه تولیدکننده زنان روستایی - روستای عسکریه	۱۳۳۷	۲۵ کیلومتر	۱۰	لباس و قبول سفارش	مشهد	داخل روستا	۳۶۰ هزار تومان
شبکه زنان تولیدکننده - روستای گلگان	۱۳۷۸	۲۵ کیلومتر	۶	لباس و قبول سفارش	مشهد	داخل روستا	هر نفر یک چرخ خیاطی و ۳۰ هزار تومان

فروش، آموزش در زمینه ارتقای فرهنگ جامعه و... تدوین و اجرا شود.

۳- از جمله مسائلی که تولیدکنندگان زن روستایی با آن مواجه بودند کمی درآمد و فروش است<sup>۳</sup> که از دلایل عنوان شده برای آن، پایین بودن کیفیت تولید، و تقاضای نسبی است. به دلیل نوپا بودن فعالیت و نیاز به آموزش و تجربه بیشتر، کیفیت تولید با توجه به کالای رقیب پائین است و همین امر باعث می شود متقاضی تمایل به خرید کالای رقیب داشته باشد و این واکنش تعداد متقاضی محصول زن روستایی را کاهش داده، باعث کاهش درآمد و فروش آنان می شود. از سوی دیگر همین تعداد متقاضی بالفعل هم خرید اقساطی انجام می دهند که این امر از یک سو موجب می شود درآمدها در فواصل مختلف زمانی وصول شود و از سوی دیگر تولید کننده نتواند از درآمد خود به نحو مطلوب بهره برداری کند.

کیفیت تولید را می توان با توسعه تولید و آموزش

کننده شود. از جمله دلایل عنوان شده برای محدود بودن بازار محصول زنان روستایی، عدم بازاریابی است. زنان از وجود بازارهای فروش محصولات خود به دلایل مختلف آگاه نیستند و از عرضه و تقاضای بازار محصول خود ناآگاهند. عدم آشنایی و اطلاع از اصول بازاریابی و فروش، عدم آشنایی با بازار محصول، عدم وجود آزادی (اجتماعی و خانوادگی) برای بررسی و شناسایی بازارهای موجود، اضطراب و نگرانی در رفت آمد به مکانهای ناشناخته، کمی ارتباطات و آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر جامعه خصوصاً در جوامع روستایی که معتقدند زنان باید در خانه کار کنند از جمله دلایل مهم عنوان شده برای محدود بودن بازار فروش محصول زنان تولید کننده روستایی است.

اگر یکی از اهداف توسعه، مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی و خدماتی باشد باید به این مسائل توجه خاص مبذول شود و برنامه های لازم به منظور شناسایی بازارها و اصول بازاریابی و

**در شرایط تورمی، بخشهای وام دهنده رسمی با کاهش سرمایه یا کاهش نرخ رشد سرمایه مواجه و تضعیف می شوند؛ زیرا سرمایه آنها از طریق مردم خیرخواه تأمین می شود یا دولت و سپرده گذران این سرمایه را تأمین می کنند. در شرایط تورمی انگیزه سپرده گذار کاهش می یابد و افراد خیرخواه به لحاظ رعایت موازین شرعی از درآمد کمتری برخوردار شده، توان حمایت آنها کاهش می یابد؛ در حالی که وام دهندگان غیررسمی به لحاظ دریافت نرخ سود بالا که نرخ تورم و سود را در بر می گیرد نه تنها تضعیف نمی شوند بلکه به دلیل تضعیف بخشهای وام دهنده رسمی، مراجعه وام گیرندگان به آنها افزایش می یابد**

ارتقاء داد. از سویی با ایجاد بازارهای فروش برای محصولات تولیدی زنان می توان میزان فروش آنان را افزایش داد و در نتیجه بر درآمد آنان نیز افزود.

۴- اطلاعات جدول (۱) نشان می دهد که سرمایه به- کار گرفته شده برای راه اندازی یک واحد تولید کننده بسیار اندک است.

به کارگیری فنون و روشهای نو و ابزار و آلات و تجهیزات جدید تولیدی نیاز به سرمایه بیشتر دارد. تأمین سرمایه به دو صورت امکان پذیر است:

۱- از محل پس اندازها و منابع مالی شخصی،  
۲- از محل دریافت اعتبار از منابع رسمی و غیررسمی.

تأمین سرمایه از محل پس اندازها و منابع مالی شخصی برای زنان روستایی که عموماً در فرایند تولید زراعی و کشاورزی به عنوان نیروی کار و عامل کار، اجرت و درآمد دریافت نمی کنند امکان پذیر نیست و از این رو آنان برای تأمین نیازهای سرمایه ای خود باید به منابع رسمی و غیررسمی مراجعه کنند.

وقتی از دو شبکه تولید کننده در مورد منابع رسمی سؤال شد، هیچ کدام درباره چگونگی و شرایط دریافت وام از منابع رسمی و مراحل دریافت وام اطلاعاتی نداشتند و اصولاً نمی دانستند چگونه باید اقدام به دریافت وام کنند و از چه منابع رسمی می توان تقاضای وام کرد.

عدم آشنایی زنان روستایی با منابع رسمی اعتبارات از جمله مسائلی است که باید به آن پرداخته شود.

علاوه بر آماده سازی امکان تولید در روستا برای زنان، باید حلقه های پیشین و پسین مرتبط با تولید را نیز برای آنان فراهم آورد و با آموزش و اطلاع رسانی به آنان فرایند تولید را تصحیح کرد و به مسیر علمی خودش سوق داد.

عدم آشنایی با منابع اعتباری رسمی که می تواند منابع مالی مورد نیاز تولید را در مواقع لازم و ضروری تأمین کند باعث عدم کارایی تولید

می شود؛ زیرا عدم تأمین مواد اولیه مورد نیاز، عدم تأمین وسایل و تجهیزات مورد نیاز و... باعث می شود که تولید دارای کیفیت و کمیت مورد نظر نباشد و در نتیجه با کاهش تولید یا کیفیت تولید، فروش و درآمد، پایین بیاید که این سبب کاهش سودآوری می شود و در نتیجه واحد تولیدی به یک واحد زیان ده تبدیل می گردد.

از این رو لازم است برگزاری کلاسهای توجیهی آموزشی در زمینه منابع تأمین مالی، روشهای تأمین مالی، چگونگی دستیابی به اعتبارات و وامها و... آگاهی و شناخت زنان روستایی برای حضور هر چه بهتر و بیشتر در فعالیتهای تولیدی

**از جمله مسائلی که تولید کنندگان زن روستایی با آن مواجه بودند کمی درآمد و فروش است که از دلایل عنوان شده برای آن، پایین بودن کیفیت تولید، و تقاضای نسبی است. به دلیل نوبا بودن فعالیت و نیاز به آموزش و تجربه بیشتر، کیفیت تولید با توجه به کالای رقیب پایین است و همین امر باعث می شود متقاضی تمایل به خرید کالای رقیب داشته باشد و این واکنش تعداد متقاضی محصول زن روستایی را کاهش داده، باعث کاهش درآمد و فروش آنان می شود.**

بالا برود.

از سوی دیگر، دو شبکه مورد بررسی از منابع غیر رسمی پرداخت کننده اعتبار نیز اطلاعات کمی در دسترس داشتند و می دانستند که در صورت نیاز به پول و مراجعه به این افراد به ازای ۵۰۰ هزار تومان هر ماه ۲۰ هزار تومان سود دریافت می کنند.

علاوه بر این، افرادی که در زمان نیاز به آنها تا حدودی کمک مالی کرده اند، افرادی مانند رئیس شورای شهر و رئیس جهادسازندگی شهرستان بوده اند که تا حدی نیازهای مالی آنان را مرتفع ساخته اند (مثلاً یک شبکه ۲۰۰ هزار تومان از رئیس شورای شهر با بازپرداخت ماهیانه

۲۰ هزار تومان در ۱۰ ماه دریافت کرده بود). بررسی انجام شده نشان می دهد زنان روستایی به دلیل:

- عدم شناخت کامل از منابع مالی رسمی و غیررسمی،

- عدم آگاهی از مراحل، چگونگی و شرایط دریافت اعتبار و وام از منابع رسمی و غیررسمی،

- عدم برگزاری دوره های آموزشی و توجیهی قبل از شروع تولید در زمینه اعتبار و وام، نقش و اهمیت آن و چگونگی تأمین مالی،

- نداشتن قدرت سیاسی و اجتماعی در مناطق روستایی،

- ممنوعیتهای فرهنگی و اجتماعی، در امر تولید صرفاً متکی به سرمایه شخصی خود باشند که این امر با توجه به اهمیت سرمایه در امر تولید نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر و اجرای برنامه های متناسب دارد.

#### ۴- نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالب ارائه شده در بخشهای قبلی می توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی و خدماتی زمانی تحقق می یابد که شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مناسب برای حضور آنان فراهم شود.

۲- عموماً فعالیت زنان روستایی به دلیل عدم شناخت بازار، محدود به خود روستا است. عدم آشنایی با اصول بازاریابی و فروش، عدم آشنایی با بازار محصول، عدم وجود آزادی (اجتماعی و خانوادگی) برای بررسی و شناسایی بازارهای موجود، اضطراب و نگرانی در زمینه رفت و آمد به مکانهای ناشناخته، کمی ارتباطات و آداب و رسوم فرهنگ حاکم بر جامعه از جمله دلایل مهم برای محدود بودن بازار فروش محصول زنان تولید کننده روستایی است که به منظور توسعه مشارکت زنان روستایی لازم است به این مسائل توجه خاص شود.

۳- فراهم سازی امکانات پیشین و پسین مورد نیاز فرایند تولید نیازمند اجرای برنامه های مناسب

۴- زنان روستایی به دلایل زیر به منابع مالی دسترسی ندارند.

- عدم شناخت از منابع مالی رسمی و غیر رسمی،
- عدم آگاهی از مراحل، چگونگی و شرایط دریافت اعتبار و وام از منابع رسمی و غیر رسمی،
- عدم برگزاری دوره های آموزشی و توجیهی قبل

گروهی میان زنان روستایی.

## منابع مورد استفاده

- (۱) پاسبان، فاطمه، ارزیابی اقتصادی اعتبارات تکلیفی در مرغداریهای گوشتی استان خراسان، جهاد سازندگی (سابق) خراسان، ۱۳۷۸.
- (۲) خزایی، علی، شناخت وضعیت نهادهای مالی

## پی نوشتها

۱- برگرفته از کار تحقیقاتی "ارزیابی اقتصادی اعتبارات تکلیفی در مرغداریهای گوشتی استان خراسان، فاطمه پاسبان، پاییز ۱۳۷۸، جهاد سازندگی (سابق) خراسان.

۲- یوسف فرجی، پول، ارز و بانکداری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۷، صفحات ۱۲۶-۱۲۴

۳- استفن دورو و دیگران، اعتبار و پس انداز برای توسعه، ترجمه علیرضا یونسی و ناصر اوکتایی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل

روستایی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۲ تا ۱۹  
 ۴- مهدی طالب، نگاهی جامعه شناسانه به مسائل اعتبارات روستایی در ایران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی، صفحات مختلف.

۵- همان، صفحات مختلف.

۶- علی خزایی، شناخت وضعیت نهادهای مالی رسمی در روستاها و بررسی عملکرد آنها، وزارت جهادسازندگی (سابق)، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، گروه مطالعات اقتصادی، ۱۳۷۸ صفحات ۱۲۴ تا ۱۳۰

۷- در زمان مصاحبه دو شبکه مورد بررسی در شروع کار بوده و چند ماهی از عمر تولیدی واحد آنها می گذشت.

۸- پاسخگویان عنوان کرده اند که میزان درآمدها تقریباً برابر با هزینه های مواد اولیه، اجاره و ... بوده است.



رسمی در روستاها و بررسی عملکرد آنها. وزارت جهادسازندگی (سابق)، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، گروه مطالعات اقتصادی، ۱۳۷۸.

(۳) دورو، استفن و دیگران، اعتبار و پس انداز برای توسعه. ترجمه علیرضا یونسی و ناصر اوکتایی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سال ۱۳۷۲.

(۴) طالب، مهدی، نگاهی جامعه شناسانه به مسائل اعتبارات روستایی در ایران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی (سابق).  
 (۵) علی بیگی، امیر حسین و علیرضا دربان آستانه، قابلیت های فن آوری زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه، روستا و توسعه، سال ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷.

(۶) فرجی، یوسف، پول، ارز و بانکداری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، ۱۳۷۷.  
 (۷) مجله جهاد، شماره های مختلف.

از شروع تولید در زمینه اعتبار و وام، نقش و اهمیت آن و چگونگی تأمین مالی، نداشتن قدرت سیاسی و اجتماعی در مناطق روستایی.

- ممنوعیت های فرهنگی و اجتماعی، در خصوص مسائل و مشکلات بررسی شده پیشنهاد های زیر ارائه می شود:

۱- برگزاری کلاسهای توجیهی و آموزشی در زمینه بازاریابی و فروش، شناسایی منابع مالی، چگونگی تأمین مالی، چگونگی افزایش کیفیت تولید و آموزشهای مرتبط با تولید.

۲- ایجاد مراکز فروش محصولات تولیدی زنان در داخل روستا یا خارج از روستا.

۳- حذف بسیاری از باورهای موجود از جمله این باور که وظیفه زن تنها باید محدود به امور خانه داری باشد، از طریق رسانه های گروهی و برنامه های فرهنگی.

۴- ایجاد انگیزه و علاقه به کار دسته جمعی و

